

# اگر یک روز، بساط حصر جمع شود!

روایت محمدعلی ابطحي از دیدار با مهدی کروبى پس از حصر 11 ساله

رییس دفتر رییس دولت اصلاحات از دیدار خود با مهدی کروبى خبر داد و نوشت: حس مشورت‌دهی‌ام گل کرده بود، به برادران بالا هم گفتم امتیاز رفع حصر را به دولت روحانی نمی‌خواستید بدهید، اوکی. الان در مجموعه یک‌دست اگر یک روز صبح بساط حصر را جمع کنید و بروید، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. محمدعلی ابطحي در صفحه اینستاگرام خود ضمن انتشار تصاویری از خود به همراه مهدی کروبى، نوشت: «بعد از 11 سال، آقای کروبى را دیدم. هفته پیش برادران بالا زنگ زدند که دو، سه بار است آقای کروبى اسم شما را داده‌اند برای ملاقات، اگر خودتان موافقید قرار بگذاریم؛ خیلی ذوق کردم! دیروز وقت گذاشتند، رفتم، حاج‌خانم و حسین آقای کروبى هم بودند. مهربانانه و پدرانه اول گفت عینک و ماسک را بردار قیافه‌ات را ببینم. مثل آدم‌های دل تنگ شده. حال جسمی آقای کروبى خوب بود. 2 ساعت گپ زدیم. از شب رحلت امام گفت و از فردای آن روز و اتفاقاتی را یادآوری کرد که البته می‌دانستم. اتفاقات سرنوشت‌ساز در تاریخ انقلاب. بعضی وقت‌ها می‌گفتم صدا نمی‌آید! می‌خندید و بحث عوض می‌شد. می‌گفت از شرایط فعلی بگو. آینده را چه می‌بینی. من با خوشبینی ذاتی‌ام کمی تحلیل کردم. صحبت به اتفاقات انتخابات ۸۴ کشید که من هم با آقای کروبى هم‌نظر بودم، استراتژیک‌ترین اشتباه اصلاح‌طلبان در آن تاریخ بود.» ابطحي همچنین در ادامه نوشته است: «از دوران آقای روحانی هم صحبت به میان آمد. از آسیبی که دولت او به همه ماها زد حرف زدیم و از یاسی که به وجود آمد افسوس خوردیم. من به روش‌های اصلاحی که در دولت فعلی و سیستم قضایی پی گرفته شده اشاره داشتم. آقای کروبى به خوشبینی من نبود. او ادامه داد: «آقای خاتمی هم که می‌دانست قرار است با آقای کروبى صحبت کنم، خیلی سلام رسانده بود. متقابلاً آقای کروبى هم سلام رساند. هم به آقای خاتمی و هم به اعضای مجمع روحانیون که اولین دبیرش بود. حس مشورت‌دهی‌ام گل کرده بود، به برادران بالا هم گفتم «امتیاز رفع حصر را به دولت روحانی نمی‌خواستید بدهید، اوکی. الان در مجموعه یک‌دست اگر یک روز صبح بساط حصر را جمع کنید و بروید، هیچ اتفاقی نمی‌افتد.» ابطحي ادامه داد: «حالا سیاست به کنار. دیدار پُر‌مهری بود. خیلی پُر‌حرفی کردم

که روحیه آقای کروی عی عوض شود. بامزه می‌گفت: خیلی از کسانی که مجوز ملاقات می‌گیرند و می‌آیند، نگاهی به دوربین گوشه حیاط می‌کنند و حتی توی اینجا با من حرف نمی‌زنند. فقط تعارفات به جا می‌آورند. من جبران کردم. از سیاست و خاطره و حتی جوک بهره گرفتم تا شیخ ۸۴ ساله ما که بعد از ۱۱ سال می‌دیدمش کمی شاد باشد؛ به امید روزی که کلاً این حصر طولانی برداشته شود. باورم نمی‌شد ۱۱ سال است در حصرند.

□□□□□□ □□□□□□ 9 □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□ 1400 □□□□□□ □□□□□□